





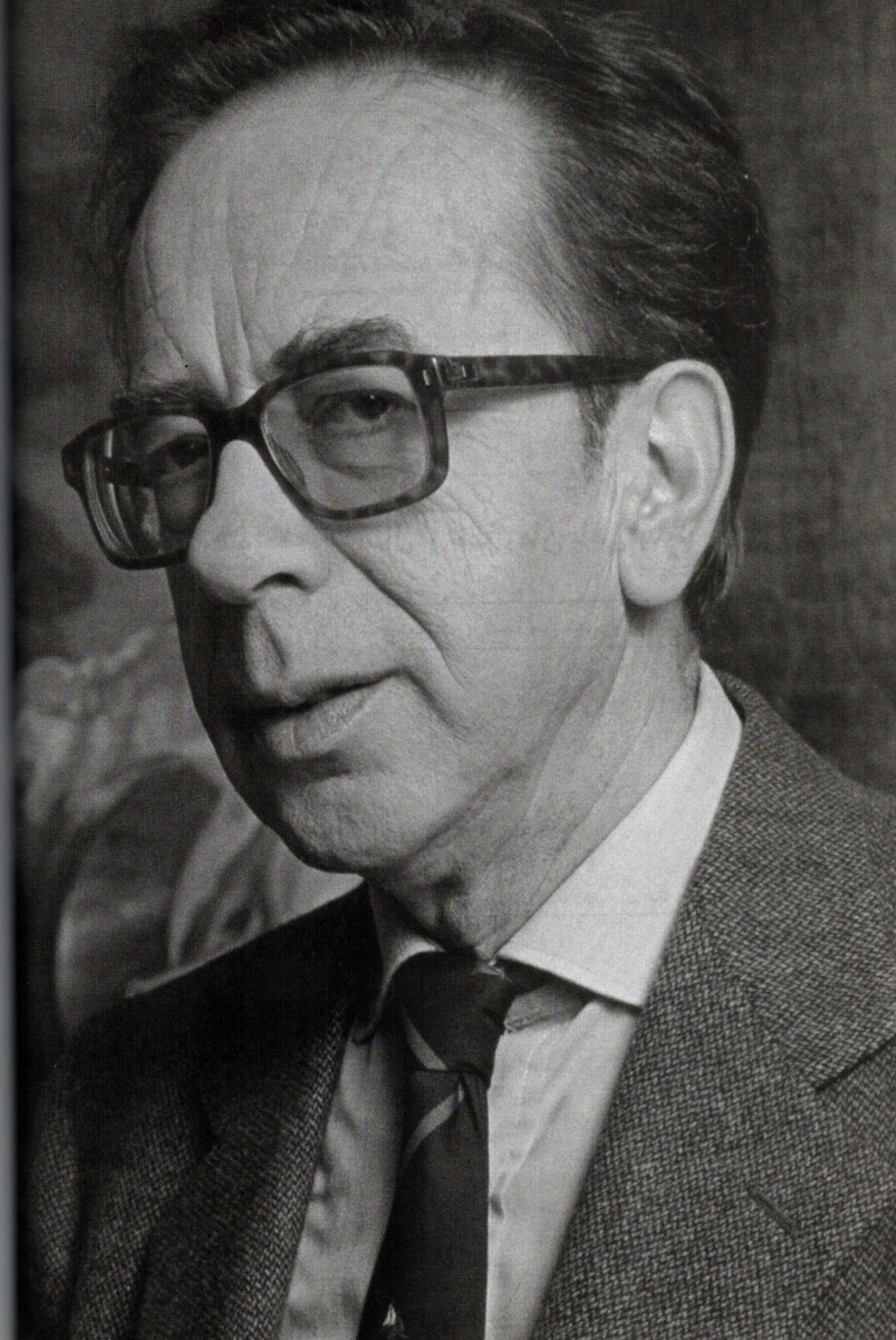
در ۱۹۷۰، رمانی از یک نویسنده گمنام آلبانیایی مجامع ادبی پاریس را در حیرت فرو برد. ژنرال ارتش مرده<sup>۱</sup> داستان ژنرالی ایتالیایی است که پس از جنگ جهانی دوم به آلبانی برمی گردد تا اجساد سربازان ایتالیایی را، که در آنجا کشته شده بودند، پیدا کند و برای دفن به ایتالیا برگرداند. این کتاب را شاهکار ادبی خواندند و نویسنده اش را به پاریس دعوت کردند. در پاریس، روشنفکران فرانسوی او را به عنوان نویسنده ای اصیل و پر قدرت از آن سوی پرده آهنین ستودند. ژنرال ارتش مرده به چندین زبان ترجمه شد و دو فیلم از روی آن ساختند: یکی با همین عنوان با بازی میشل پیکولی<sup>۲</sup>، و دیگری فیلم به یادماندنی زندگی و دیگر هیچ<sup>۳</sup> اثر برنار تاورنیه<sup>۴</sup>.

از آن پس، بیش از دوازده رمان و چندین مجموعه شعر و مقاله او به فرانسه، انگلیسی و سایر زبانها ترجمه شده است. او را یکی از نویسندگان بزرگ دنیا می دانند و چند بار نامزد دریافت جایزه نوبل شده است. ناشران فرانسوی آثارش در حال حاضر مجموعه نوشته هایش را در شش جلد، هم به فرانسه و هم به آلبانیایی، در دست انتشار دارند که سه جلد آن منتشر شده است.

اسماعیل کاداره در شهر گینوکاستر<sup>۵</sup> در آلبانی به دنیا آمد و بزرگ شد. در دانشگاه تیرانا ادبیات خواند و سه سال در انستیتو گورکی مسکو به تحصیلات عالی پرداخت. ژنرال ارتش مرده اولین رمانش بود که پس از بازگشت به آلبانی در ۱۹۶۲، در

\* این گفتگو برگرفته از کتاب *روایای نوشتن*، ترجمه مزده دقیقی، انتشارات مؤسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۹۴.

1. *The General of the Dead Army*
2. Michel Piccoli
3. *La vie et rien d'autre*
4. Bernard Tavernier
5. Gjinokastër





صحت می‌کنند که یکی از زبان‌های اصلی اروپایی است. به لحاظ زبان‌شناختی، در اروپا شش یا هفت خانواده‌ی زبانی اصلی وجود دارد: لاتینی، ژرمنی، اسلاوی، بالتی (که در لاتویا و استونی صحبت می‌کنند) و سه زبان بدون خانواده، یعنی یونانی و ارمنی و آلبانیایی. به این ترتیب، زبان آلبانیایی مهم‌تر از کشور کوچکی است که مردمش به این زبان تکلم می‌کنند، چون در نقشه‌ی زبان‌شناختی اروپا جای مهمی دارد. زبان‌های مجاری و فنلاندی جزء زبان‌های هند و اروپایی نیستند.

زبان آلبانیایی از این نظر هم اهمیت دارد که تنها بازمانده‌ی زبان باستانی ایلیریایی است. در دوران باستان، در اروپای جنوبی سه منطقه وجود داشت: یونان، روم و ایلیریا. زبان آلبانیایی تنها بازمانده‌ی زبان‌های ایلیریایی است. به همین دلیل، همیشه توجه زبان‌شناسان بزرگ گذشته را جلب کرده است. اولین کسی که به مطالعه‌ی جدی زبان آلبانیایی پرداخت فیلسوف آلمانی گوته بود<sup>۱</sup> بود در ۱۶۹۵.

● همان کسی که ولتر شخصیت دکتر پانگلس را در کاندید با الهام از او خلق کرد؟

— دقیقاً ولی آلبانی در آن دوران کشور مستقلی نبود؛ بخشی از امپراتوری عثمانی بود، مثل سایر کشورهای بالکان، از جمله یونان. ولی این زبان برای این تابعه‌ی آلمانی جالب بود. بعد از او، سایر محققان آلمانی تحقیقات جامعی درباره‌ی زبان آلبانیایی انجام دادند، مثل فرانتس بوپ<sup>۲</sup> که کتابش بسیار جامع است.

● ادبیات آلبانیایی چطور؟ منشأ آن چیست؟ یک دانته، شکسپیر یا گوته آلبانیایی وجود دارد؟

— منابع آن عمدتاً شفاهی‌اند. اولین کتاب ادبی به زبان آلبانیایی در قرن شانزدهم منتشر شد که ترجمه‌ای بود از کتاب مقدس. آن موقع، آلبانی کاتولیک بود. پس از آن نویسندگانی بودند. پدر بنیانگذار ادبیات آلبانی نویسنده‌ی قرن نوزدهم نعیم فراشری<sup>۳</sup> است. او عظمت دانته یا شکسپیر را ندارد، با وجود این، بنیانگذار و شخصیت نمادین است. برای بیدار کردن وجدان ملی آلبانی اشعار حماسی بلند و همچنین

1. Gottfried Leibnitz

2. Franz Bopp

3. Naim Frasheri

بیست و شش سالگی، منتشر کرد.

کاداره را با کافکا و اورول مقایسه کرده‌اند، ولی او نویسنده‌ای اصیل است که هم جهانی است و هم در خاک خود ریشه دارد. آلبانی بیش از چهل سال زیر یوغ دیکتاتوری کمونیستی انور خوجه بود؛ کسی که استالینسم بی‌رحمانه و خاص او بیشتر از سایر کشورهای اروپای شرقی دوام آورد. کاداره از انواع ژانرها و شیوه‌های ادبی استفاده کرد — از تمثیل، طنز، فاصله‌گذاری تاریخی، اسطوره‌پردازی — تا از سانسور ظالمانه خوجه و انتقامجویی‌های مرگبار او بگریزد. نوشته‌های او وقایعنامه‌ی آن سال‌های هولناک است، هر چند داستان‌هایش اغلب در گذشته‌های دور و در کشورهای دیگر شکل می‌گیرد. کاخ رویاها<sup>۱</sup> و هرم<sup>۲</sup> به ترتیب در دوران امپراتوری عثمانی و در مصر باستان روی می‌دهند، در حالی که زمستان سخت<sup>۳</sup> و کنسرت<sup>۴</sup> آشکارا به گسستن خوجه از روسیه‌ی دوران خروشچف و چین پس از مائو اشاره دارند.

اسماعیل کاداره در ۱۹۹۰ آلبانی را ترک کرد و در پاریس سکونت گزید. در ۱۹۹۶، به عضویت فرهنگستان علوم اخلاقی و سیاسی فرانسه برگزیده شد و جای کارل پوپر، فیلسوف انگلیسی زاده‌ی اتریش، را گرفت که همان سال درگذشته بود.

او با همسر و دخترش در کارتیبه لاتن در آپارتمان بزرگ و پر نور رو به باغ لوکزامبورگ زندگی می‌کند. کاداره زیاد به آلبانی سفر می‌کند. این مصاحبه در فوریه و اکتبر ۱۹۹۷ در خانه‌ی او انجام شد، با مکالمات تلفنی در این فاصله.

می‌گویند کاداره زیاد تحمل احمق‌ها را ندارد، ولی من او را آرام و مؤدب یافتم، و کم‌وبیش شکلیا نسبت به کسی که کشور او و ادبیاتش را، که هر دو را عاشقانه دوست دارد، نمی‌شناسد. فرانسه را روان صحبت می‌کند، با صدایی آرام و باوقار و لهجه‌ای خاص.

● شما اولین نویسنده‌ی معاصر آلبانیایی هستید که به شهرت جهانی می‌رسید. برای بیشتر مردم، آلبانی کشور کوچکی است با سه و نیم میلیون جمعیت در حاشیه‌ی اروپا. به همین دلیل، اولین سؤال من درباره‌ی زبان آلبانیایی است. این زبان چیست؟ — نیمی از جمعیت آلبانی در همسایگی آن، یعنی در منطقه‌ی کوزوو در یوگسلاوی، زندگی می‌کنند. بر روی هم، ده میلیون نفر در دنیا به زبان آلبانیایی

1. The Palace of Dreams

2. The Pyramid

3. The Great Winter

4. The Concert